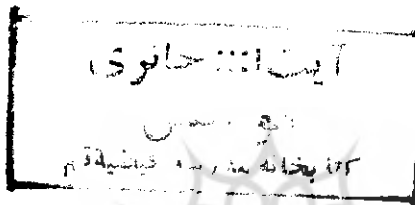


از : مهدی روشن ضمیر
(دکتر در خاورشناسی)

آثار غوریان



منار جام

یکی از خاندان‌های ایرانی و سلسله‌های شاهان محلی خاور زمین دودمان غوری شنسبی است که از سده‌های پیش از اسلام تا آغاز قرن سیزدهم میلادی در سرزمین غور، از هرات تا غزنه، فرمانروایی داشته و در پایان حکومتشان بر بخشی از شمال هندوستان نیز استیلا یافته اند .

دوران سلطنت فرمانروایان غوری یکی از پربسیروصداترین دوره‌های تاریخ بخشی از شرق ایران است. امیران غوری در آغاز یورش عربها بادلیبری و مردانگی از سرزمین خویش دفاع کرده و اجازه ندادند تا بیهگانگان بر سرزمینشان چیرگی یابند و سرانجام پس از آنکه دین اسلام را پذیرفتند تا سال ۶۱۲ هجری قمری که حکومتشان ادامه داشت، پاسدار فرهنگ و تمدن ایرانی و مدافع سرسخت آزادی و حفظ هنر و آداب خویش بودند .

در کتابهای تاریخ ایران متاسفانه تاکنون مطالب مهم و علمی درباره این دودمان نوشته نشده است .

خوشبختانه از چندی پیش چند نفر از باستانشناسان و

تاریخدانان هندی و افغانی و اروپائی پژوهشهایی در این زمینه نموده اند که بسیار مورد استفاده نگارنده قرار گرفته است .

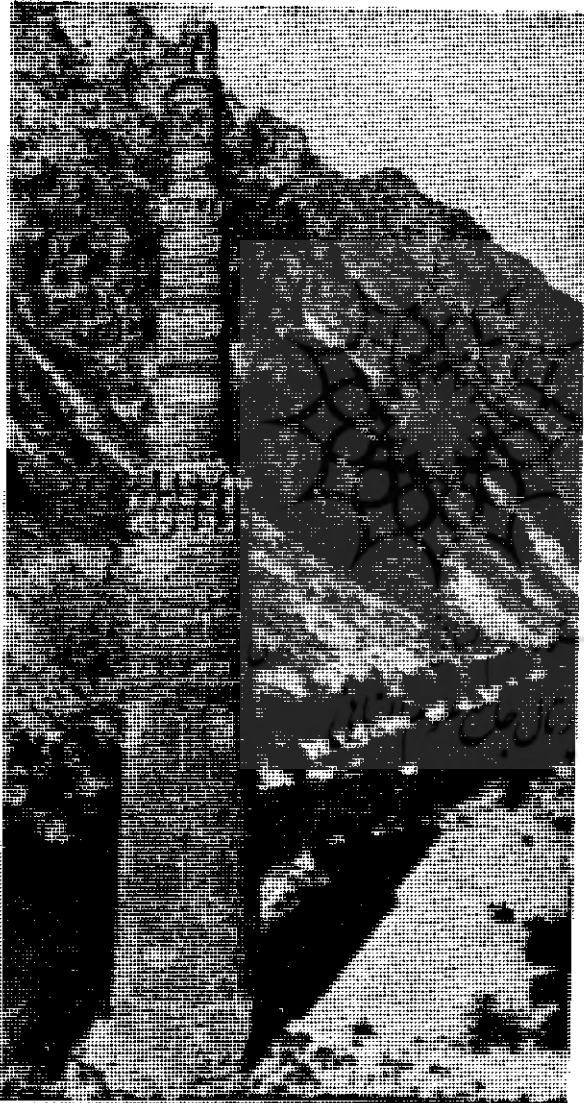
غیاث الدین محمدیکی از شاهان دودمان غوری در رجب سال ۵۵۸ هـ ق به سلطنت رسیده است. از بناهای معروف وی، که خوشبختانه باقی مانده است، یکی منارجام است که بفرمان وی ساخته شده و در مرکز سرزمین غوری یعنی فیروزکوه واقع است .

این بنا یکی از آثار پراورش و زیبای قرن دوازدهم میلادی میباشد که از لحاظ هنر معماری، آجرکاری و کاشیکاری، یکی از بهترین شاهکارهای دوران اسلامی آن زمان بشمار می رفته است و اکنون نیز یکی از مراکز جهانگردی کشور دوست و همجوار ما افغانستان بحساب می آید. (ش ۱)

این بنای تاریخی از بلندترین نمونه های سبک خود بوده به بلندی ۶۳ متر و قطر پایه هشت متر در کنار هریرود قرار گرفته است و تا بیست و یک سال پیش، جز در افسانه ها، از وجود آن اطلاعی وجود نداشت. در سال مزبور کاوشهای یکی از باستانشناسان بلژیکی بنام آندره ماریک André Maricq عضو هیئت باستانشناسی فرانسه در افغانستان با شرکت احمد علی کهزاد رئیس انجمن تاریخی افغانستان، در محل مزبور حاضر و مشغول کارهای علمی گردیدند . منارجام در کنار هریرود و به صورت انفرادی قرار گرفته است و در اطراف آن جز آثاری که باستانشناسان در حفاریها بدست آورده اند، اثری از ساختمان وجود ندارد و فقط در ارتفاعات کوههای دوسوی دره هریرود نشانه هایی از بقایای برجها و باروها بچشم میخورد .

شهر فیروزکوه که امروز اثری از آن نمانده و این منار در آن قرار گرفته بوده است بسبب سیلهای متوالی و بویژه در حمله مغول بکلی خراب و نابود شده است .

فیروزکوه در سال ۵۴۳ هجری هنوز بصورت شهر در نیامده و بنام قلعه فیروزکوه معروف بوده است. در آن سال قطب‌الدین محمد آن قلعه را، که تازه به او واگذار شده بود، رها کرد و بنای نیمه تمام



(شکل ۱)
منار جام درکنار
هریرود

آنها پایان نرسانیده به غزنه رفت.^۱

مدتها بعد هنگامیکه بهاءالدین سام در محرم سال ۵۴۴ هجری (= ماه مه ۱۱۴۹ م) به فیروزکوه آمد و زمام امور آن منطقه از سرزمین غور را بدست گرفت دستور داد تا ساختمان قلعه و بقیه شهر فیروزکوه را که ناتمام مانده بود، از نو آغاز کنند و بالاخره از این سال ببعد فیروزکوه بعنوان پایتخت بهاءالدین سام و سایر سلاطین غوری انتخاب گردید.

در اینکه منارجام واقعا در شهر فیروزکوه قرار گرفته و اینکه این شهر در این محل واقع شده بوده است اختلاف نظر وجود دارد. از جمله دوست گرامی و دانشمند آقای دکتر غلام جیلانی داوری در نشریه آریانا شماره ۳۳ نمره ۱ محل فیروزکوه را در جای دیگر بنام تیوره Taiwara دانسته اند ولی دلایل ایشان بهیچوجه بسنده نیست. اما دلایلی چند بر آنکه شهر فیروزکوه در محل کنونی منار جام یعنی در دره هریرود قرار داشته است:

قبل از هر چیز باید گفته شود، از نام فیروزکوه برمی آید که این شهر در منطقه کوهستانی بنا شده است.

از طرفی بنای منار به آن عظمت و زیبایی نمیتواند در منطقه ای دور افتاده و گمنام که بگفته آقای جیلانی داوری «محل چند دیدبانگاه بوده»، قرار داشته باشد.

جوزجانی که یکی از مهمترین تاریخ نویسان دربار شاهان غوری بوده و بگفته خودش تا سن ۱۸ سالگی در شهر فیروزکوه زندگی نمیکرده است، در کتاب خود طبقات ناصری چنین می نویسد:

1— Auboyer, Jeannine : Afghanistan und seine Kunst, übertragen v. J. R.

Chambon, Prague 1968, S. 61.

و همچنین جوزجانی، منهاج سراج: طبقات ناصری چاپ کابل ۱۳۴۲ ش ج اول ص ۳۳۵ و خوانی، محمد فصیح...: مجمل فصیحی چاپ مشهد ۱۳۴۱ ص ۵۰۶ ج ۲

«ملك الجبال قطب‌الدین محمد بن حسین ... بعد از آن او را چنان اتفاق افتاد که موضعی طلب‌کند تا قلعه حصین و موضع شگرف بنا کنند که مر حضرت راشاید باطراف معتمدان فرستاد تارای او بر موضع فیروزکوه قرار گرفت قلعه و شهر فیروزکوه را بنا فرمود...»^۲

همین نویسنده در جای دیگر^۳ می‌نویسد :

«اما شهر فیروزکوه که دارالملک غور بود در شهر سینه سبع و عشر و ستمائه اقلان چربی با حشمهای مغل بدر شهر آمد و بیست و اندروز جنگهای قوی کردند و نامراد بازگشت خلق فیروزکوه با ملك مبارزالدین سبزواری خلاف و خروج کردند و مبارزالدین بضرورت به قلعه بالارفت و آن قلعه‌ای بود برشمالی مشرقی شهر برسر کوه بلند و شامخ و بدان موضع در عهد سلاطین غور يك قصر بزرگ بیش نبود ... امامدین عهد ملك مبارزالدین سبزواری آن قلعه را معمور کرده بوده و در دور سر آن کوه (باره) برکشید [۶] ... و مرد [۷] هزار را امکان مقام بودی و چون میان اهل شهر فیروزکوه و ملك مبارزالدین مخالفت افتاد مبارزالدین در قلعه با رفتن تمامی مردم اهالی شهر بخدمت ملك قطب‌الدین حسن طاب ثراه مکتوب نبشتند و آمدن او را استدعا نمودند و ملك قطب‌الدین با لشکر غور در فیروزکوه رفت ... در شهر سینه تسع [۸] عشر و ستمائه ... و خلق (شهر) را به شهادت رسانیدند و مبارزالدین از قلعه بیرون شد و بطرف هرات رفت آنجا شهید شد و شهر فیروزکوه تمام خراب گشت .»

۲- جوزجانی، ج ۱ ص ۶ - ۳۳۵

۳- همان منبع ج ۲ ص ۱۳۲

چنانکه می بینیم در این دو جاجوز جانی شهر فیروزکوه و قلعه های شمال شرقی و اطراف آن را ، که در حال حاضر نیز در بلندیهای اطراف منار جام ، باقی مانده است با هم ذکر کرده و در یک محل دانسته است . همین مورخ در جای دیگر^۴ می نویسد :

«تاج الدین از هرات چون نزدیک تر بود بحضرت فیروزکوه با لشکر خود بحضرت فیروزکوه درآمد از راه هریرود .»

در اینجا هم همانطور که ملاحظه میشود ، محل شهر فیروزکوه را نزدیک هرات نوشته اند . یعنی از گفته جوزجانی چنین برمی آید که تاج الدین یلدوز برای رسیدن به فیروزکوه از نزدیکترین و تنه اراه هرات به فیروزکوه یعنی دره هریرود - که منار جام و فیروزکوه در آن قرار داشته - استفاده کرده است در حالیکه تیوره تا دره هریرود و هرات فرسنگها فاصله دارد .

در جای دیگر هنگامیکه صحنه نبرد میان علاء الدین حسین و سلطان سنجر شرح داده شده است تاریخ نویسان میدان جنگ را در محلی بنام اوبه یا بگفته جوزجانی «سه گوشه ناب» در دره هریرود ذکر کرده اند^۵ اوبه یا سه گوشه ناب بگفته همه مورخان در دره هریرود قرار داشته است و در حال حاضر هم اوبه درست در دره هریرود و میان هرات و منار جام قرار گرفته است . در هر حال تا بدست

۴- همان منبع ج ۱ ص ۳۵۵

۵- خوافی، محمد فصیح : مجمل فصیحی ، چاپ مشهد ۱۳۴۱ ج ۲ ص ۲۴۴ / خواند میر، غیاث الدین: حبیب السیر چاپ تهران ۱۳۳۳ ج ۲ ص ۶۰۳ هندوشاه، ملامحمد قاسم : تاریخ فرشته .

چاپ سنگی کانپور ۱۳۰۱ (۱۸۸۳ م) ص ۵۶ / راوندی، محمد بن علی بن سلیمان: راحة الصدور وروایة السرور در تاریخ آل سلجوق چاپ تهران ۱۳۳۳ ص ۶-۱۷۵ / جوزجانی ج ۱ ص ۳۴۶ / نظامی عروضی سمرقندی: چهار مقاله تهران ۱۳۴۱ ص ۱۰۴ و ۱۳۲

آمدن مدارك كامل و دلائل علمى ما ناچاريم كه محل فيروزكوه را، همانطور كه آندره ماريك André Maricq و بوسورت C. E. Bosworth نیز توضیح داده‌اند، در دره هریرود و درکنار منار جام بدانیم. علاءالدین حسین نیز پایتخت خویش را در فیروزکوه قرار داده بود.^۶

این سلطان پس از آنکه به انتقام قتل برادرش غزنه را گرفته بخرابی کشانید، چندتن سید را که در کشتن برادرش دست داشتند گرفته، دستور داد تا مقداری از خاک غزنه را درون توبره‌هایی بریزند و بگردن آنها آویزند سپس مجبورشان کرد تا توبره‌های مزبور را به فیروزکوه حمل کنند. در آنجا فرمان داد تا آن چندسید را گردن زدند و با آغشته کردن خاک غزنه باخون آنها بنای برجی را آغاز کنند.^۷

اتفاقاً آثارچند برج و یاروهنوز هم در مقابل منارجام و در بالای صخره‌ها بنظر میرسد.

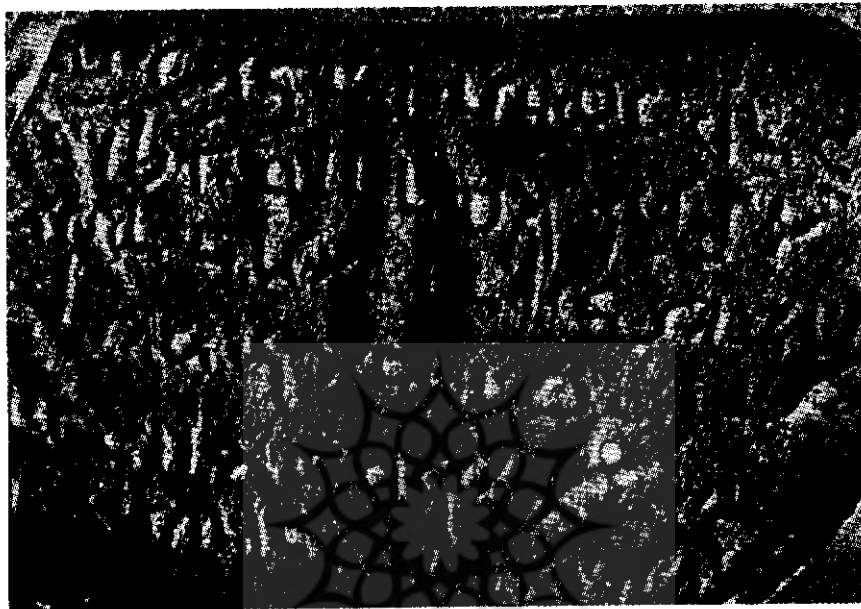
از دلائل دیگری که ثابت میکند محل منارجام همان فیروزکوه بوده است، پیدا شدن ناحیه یهودی نشین در این محل میباشد. توضیح آنکه یکی از باستانشناسان بنام آندره برونو André Bruno در نزدیکی منار جام سنگ نبشته‌ای بزبان عبری پیدا کرده است که متعلق به سنگ قبری میباشد. روی این سنگ تاریخ ۱۴۶۱ سلوکی برابر با ۵۴۴ هجری قمری و ۱۱۴۹ میلادی و نام و عنوان صاحب آن، شادان بن اسحق نقش یافته است.^۸ وجود این سنگ قبر و عبارت دیگر گورستان یهود بانوشته جوزجانی در مورد وجود

۶- جوزجانی ج ۱ ص ۳۴۱

۷- همان منبع ص ۳۴۵

8- Gnoli, Gherharo: East and West, vol. 13, Nr. 4, Roma 1962, p. 311.

یهودیان در فیروزکوه و موقعیت آنها در زمان امیربنجی نهاران
بخوبی وفق میدهد. ^۹ (ش ۲)



(شکل ۲)

سنگ قبر با برنوشته‌ی عبری متعلق به سال (۵۵۴ هجری قمری = ۱۱۴۹ میلادی)

از طرفی وجود محله یهودیان در این محل خود دلیل دیگری
است بر رونق تجارت و داد و ستد در فیروزکوه.
در هر حال فیروزکوه تا اواخر حکومت غوریان آباد بوده است.

۹- جوزجانی، ج ۱ ص ۳۲۵، برای بدست آوردن آگاهی بیشتر درباره موقعیت
ومحل فیروزکوه، رک

André Maricq : Le Minaret de Djam, Paris 1959 / Bosworth, C. E. :
Central Asiatic Journal, vol. VI, Nr. 2, pp. 128ff. / Gnoli, G. : E. and W.,
Is.MEO, New Series. vol. 14, Nos 3-4, 1963, p. 209 / Gnoli, G. : Le Iscrizioni
Giudeo - Persiane del Gur, Serie orientale Roma XXX 1964 / Afghanistan
Journal Jg. 4, Heft 1, 1977.

غیاث‌الدین محمد پس از مرگ در مسجد جامع هرات که از بناهای خودوی بوده است، بخاک سپرده شد ولی فیروزکوه همچنان به عنوان پایتخت سلاطین غور باقی مانده بود، چه مامیدانیم که مدت‌ها بعد، غیاث‌الدین محمود در سال ۶۰۲ هجری برای تاجگذاری به فیروزکوه رفته و بمحض ورود در مسجد جامع حضور یافته و در مراسم نماز شرکت کرده است.^{۱۰}

در حال تاپایان سلطنت غیاث‌الدین محمود (سال ۶۰۶ هجری) فیروزکوه هنوز آباد و پایتخت آن سرزمین بوده است. چنانچه گذشت، در شهر فیروزکوه مسجد جامعی هم وجود داشته است که به احتمال نزدیک به یقین منار جام در داخل یا در کنار آن قرار گرفته بوده است.

همان‌طور که ذکر شد جوزجانی که خود در سن هیجده سالگی در فیروزکوه بوده است و نوشته‌های وی بهترین و مهم‌ترین منبع و مأخذ برای ما میباشد درباره مسجد جامع این شهر چنین اظهار میدارد: هنگامیکه معزالدین در هندوستان فتوحاتی کرده بود، از شهر آجمر هدایائی برای برادرش غیاث‌الدین به فیروزکوه فرستاد. از جمله این هدایا «چند حلقه زرین که دایره آن پنج‌گز در پنج‌گز بود و دو کوس زرین که برگردون آوردند. سلطان غیاث‌الدین آن حلقه و زنجیر و خربزه^{۱۱} در پیش طاق مسجد جامع فیروزکوه بفرمود تا بیاویختند و چون مسجد جامع را سیل خراب کرد آن کوس و حلقه و زنجیر را به شهر هرات فرستادند^{۱۲}...»

در سپتامبر سال ۱۹۶۰ یکی از اعضاء هیئت باستان‌شناسان

۱۰- ابن‌اثیر: الکامل فی التاریخ چاپ بیروت ج ۱۲ ص ۲۲۴ / جوزجانی ج ۱

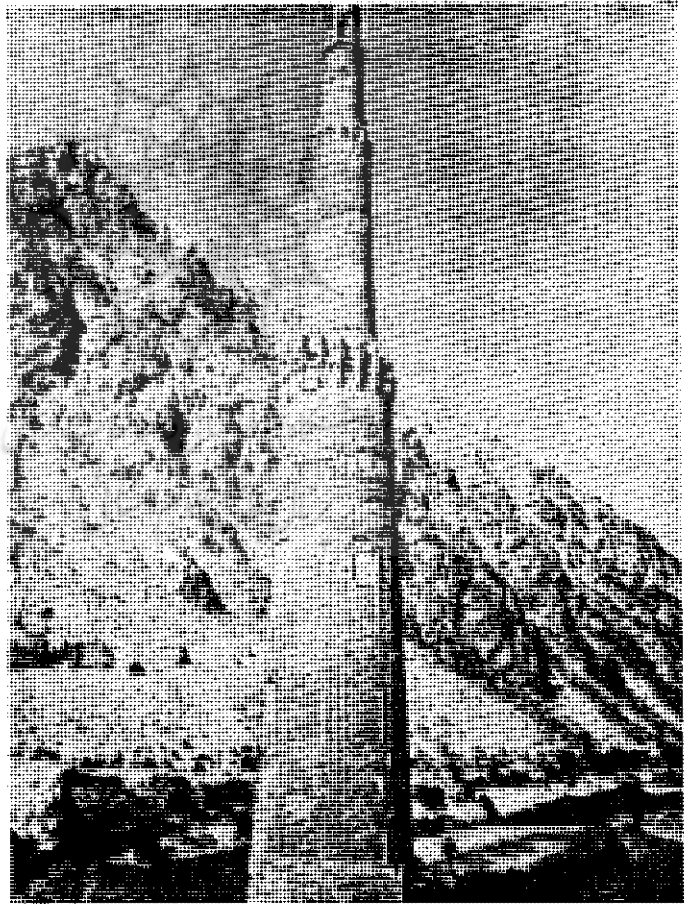
ص ۳۷۳ / جوینی: تاریخ جوینی ص ۶۲

۱۱- جریده؟

۱۲- جوزجانی ج ۱ ص ۳۷۵

فرانسوی بنام لوبر M. Le Berre ضمن کاوشهایی که در بیست متری شرقی منار جام و در کنار هریرود بعمل آورد در عمق چهار متری آثار باقیمانده دیوار آجری و نمونه‌هایی از کاشیکاری‌های آن عهد را بدست آورد که بقایای دیوار مسجد جامع فیروزکوه میباشد . در شمال این محل نیز آثار پایه پل بسیار بزرگی را نیز کشف کرد که بنوبه خود حائز اهمیت است .

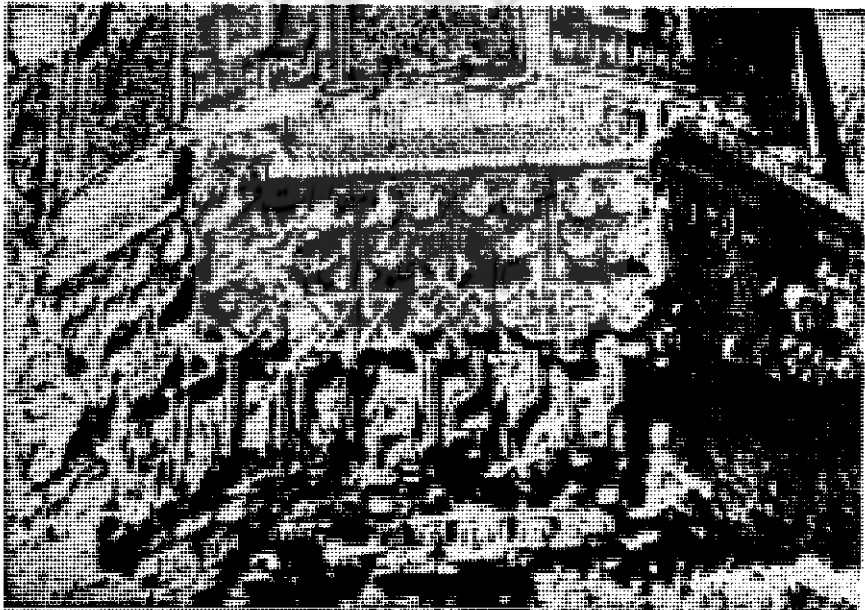
منار جام تماماً از آجر ساخته شده بر روی پایه محکم و هشت ضلعی زیبای آن استوار است (ش ۳) و مشتمل بر چهار طبقه میباشد



(شکل ۳)
منار جام در کنار هریرود

ودو پیش آمدگی گردان که در اصطلاح به آن نعلبکی گویند در فاصله‌های بسیار مناسب دور تا دور آنرا زینت داده است. این نعلبکی‌ها که در آغاز با آجرهای زینتی و زیبایی تزئین شده بود اکنون خراب شده و تنها تیرهای قوی چوبی حامل آن‌ها برجا مانده است. بنای این نوع نعلبکی‌ها در آن زمان بر روی منارها مرسوم بوده است و ما میتوانیم شبیه آنرا در مناره‌های متعدد عهد سلجوقی در اصفهان و همچنین در منار بزرگ دهلی بنام قطب که همزمان بامنار جام بوده و توسط قطب‌الدین ایبک، یکی از غلامان و سرداران معزالدین غوری ساخته شده است ملاحظه نمائیم (ش ۵ و ۱۳ مقایسه شود).

متاسفانه آجرکاری بسیار زیبای روی این پایه هشت ضلعی تقریباً خراب شده و لطمه فراوان دیده است (ش ۴) ولی خوشبختانه

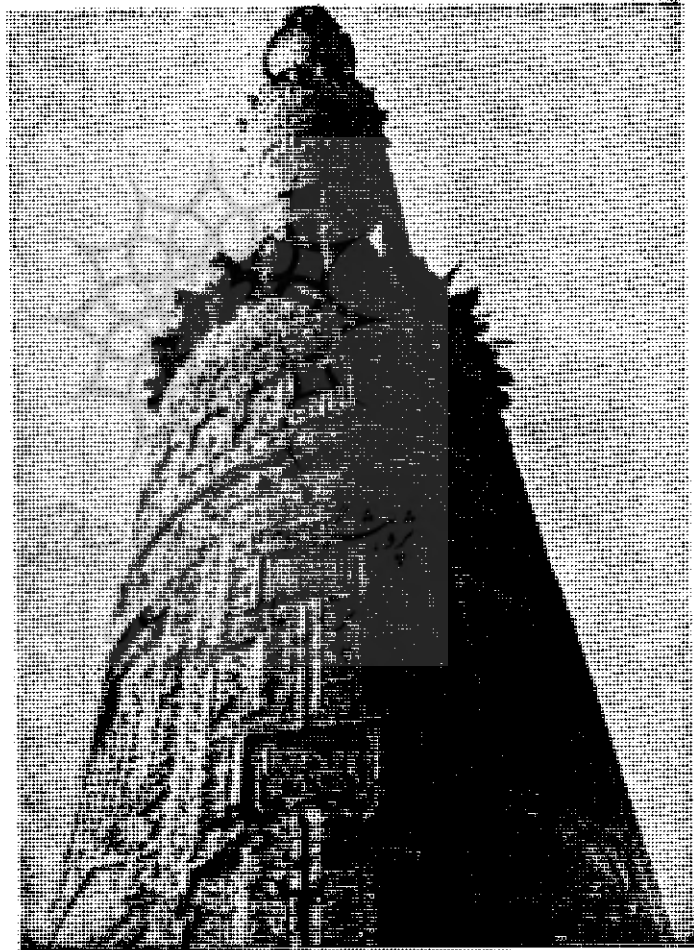


(شکل ۴)

پایه هشت ضلعی منار جام

مقداری از تزیینات روی آن و نوشته‌ها و نقوش هندسی زیبا و خارق‌العاده آجری آن هنوز برجا مانده است و نظر هنرمندان و هنرشناسان را بسوی خود جلب می‌کند.

زیباترین و از لحاظ هنر آجرکاری پرارزشتترین قسمت این منار طبقه اول آن میباشد. (ش ۵)



نقوش مناره سیزدهم

(شکل ۵)
طبقه‌های منار و
نعلبکی‌های روی آن

نقوش روی این قسمت که سرتاسر طبقه اول منار را زینت

بخشیده به هشت بخش تقسیم گردیده است که بشکل مستطیل های بلند و بطور عمودی در کنار هم قرار گرفته و محیط اطراف طبقه اول منار را پوشانیده است. در وسط هر یک از این هشت مستطیل پنج نقش هندسی طاق نما مانند که نقوش درون آنها همانند پنجره های چوبی مشبک و ظریفی میباشد قرار گرفته است و اطراف آنها را کتیبه ای بخط کوفی که بشکل نوار و بطور مارپیچ از دو طرف و از پائین به بالا کشیده شده زینت داده است. کتیبه مزبور که دو نوار حاشیه ای آن بطور ضربدر، چندبار در بالا و پائین طاق نماهای مشبک، یکدیگر را قطع می کند تا بالای طبقه ای اول منار و زیر کتیبه اصلی آن کشیده شده است.

کتیبه مزبور شامل متن کامل سوره مریم را در بر دارد.

در قسمت بالای این هشت مربع مستطیل تا زیر نعلبکی اول چند ردیف نوارهای پهن زینتی قرار گرفته است. نقش نخستین نوار عبارت است از گل و بوته و برگ های نخل. در بالای نوار مزبور نوار پهن سرتاسری دیگری نیز وجود دارد که درون آنرا گل های پر برگ مدور یا باصطلاح رزت های زیبائی تزیین کرده است. تعداد این گل ها ۱۶ بوده و اندازه آنها نیز نسبتاً بزرگ میباشد و سرتاسر اطراف منار را در سطح خود پوشانیده است.

در بالای این نوار و بالای کتیبه ای کوفی مجدداً حلقه های کوچکتر زینتی از کاشی تعبیه کرده اند. کمی بالاتر یک کتیبه ای افقی بسیار جالب و زیبایی که بخط کوفی بوده و در میان دو حاشیه ای بسیار قشنگ جا گرفته است خودنمایی میکند.

آجرکاریهای اطراف این کتیبه که بمنظور زینت آن بکار رفته، مانند سایر قسمت های منار، کاری است هنری و بسیار زیبا اما جالب ترین قسمت این آجرکاری، خطوط کوفی آن میباشد، که

برخلاف سایر آجر کاریهای منار از کاشی ترتیب داده شده است . در بالای این کتیبه‌ی فیروزه‌ای رنگت مجدداً گلهای کوچک و ظریفی از کاشی قرار گرفته و در بالای آن نقوش تزیینی هندسی فضای خالی تازیر نعلبکی را پر کرده است .

در فاصله میان دو نعلبکی یعنی در قسمت پایین آن، درجایی که دو در خروجی بروی نعلبکی اول قرار گرفته است بخشی از بدنه منار تا ارتفاع در فوقانی، که درست بالای در اول قرار گرفته آجرکاری ساده بکاررفته است و نقوشی در روی آن دیده نمیشود. این نعلبکی احتمالاً دارای دو پوشش و در وسط آن بوده است زیرا وجود دو در بالای یکدیگر چنین اندیشه‌ای را بوجود می‌آورد.

کمی بالاتر یعنی در بالای در دوم دو کتیبه نوشته شده است که حدفاصل بالا و پایین آنرا نوارهایی، که به نقوش هندسی و گل و بوته‌های زیبا و برگهای نخل، آراسته شده، پوشانیده است . این دو کتیبه نیز از آجر بوده بنوبه خود زیبایی خاصی دارد و مهارت و سلیقه‌ی خاص سازنده آنرا نشان میدهد .

درست در بالای کتیبه فوقانی، پایه‌های نعلبکی دوم نصب شده که متأسفانه اکنون فقط آثاری از تیرهای حامل آن باقی مانده است .

در محوطه‌ی بالای نعلبکی، بدنه منار را، همانند بالای نعلبکی نخستین، آجرهای ساده و بدون نقش پوشانیده است که تا بالای سطح در سوم منار ادامه دارد .

از بالای در سوم، که بروی نعلبکی دوم باز میشود، مجدداً آجرهای زینتی با نقش‌های زیبا بکار رفته که بصورت نوار اطراف منار را فرا گرفته است .

در بالای آن نوارها باز هم یک کتیبه‌ی دیگر نقش یافته که بخط

کوفی بوده و همان شیوه و سبک سایر کتیبه‌ها را دارد با فرق آنکه متن زمینه‌ی آن دارای نقوش هندسی است .

در بالای کتیبه مزبور، طبقه‌ی چهارم منار با یک برآمدگی نوار ماندی آغاز گردیده و سپس قسمت آخر منار که به گنبد بسیار کوچکی منتهی می‌گردد قرار گرفته است .

بمنظور دسترسی به نعلبکی‌ها یا بالکن‌های منار، معمار هنرمند طرح یک پلکان تیز و سراسیمی را ریخته که از سمت شمال پایه هشت ضلع اصلی آغاز گردیده و از مرکز منار در داخل طبقه اول بطور مارپیچ دور زده است و به سطح بالای آن یعنی بروی نعلبکی اول میرسد، آنگاه آنرا از آنجا بسوی بالا ادامه داده و توسط پنج پلکان فرعی تانعلبکی دوم رسانیده است . (ش ۶)

این پله‌ها که طبقه اول و دوم را بهم متصل میکند برعکس نمای خارجی منار بصورت بسیار ساده ساخته شده است .

طبقه سوم و بالاخره طبقه آخر منار پلکانی ندارد .

از شاهکارهای بسیار جالب این بنا، همانطور که بدان اشاره شد، کتیبه‌های بسیار زیبای آن است. کتیبه‌ی اصلی این منار همان کتیبه‌ای است که در بالای طبقه اول منار وزیر نخستین نعلبکی قرار گرفته و نوشته‌های آن از کاشی است. متن این کتیبه‌ی آبی رنگ چنین است :

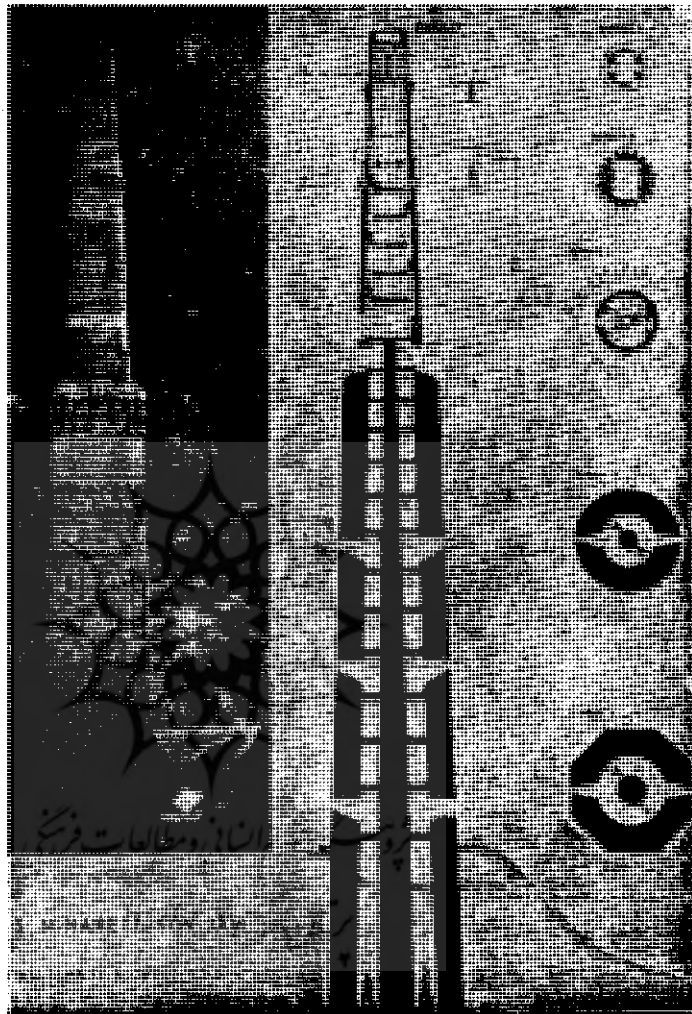
« السلطان المعظم شاهنشاه الاعظم غیاث‌الدینا والدین
معز الاسلام و المسلمین ابو الفتح محمد بن سام . »

و از قسمت دیگر آن متاسفانه فقط جمله زیر باقی مانده است :

« قسیم امیر المومنین خلد الله ملکه »

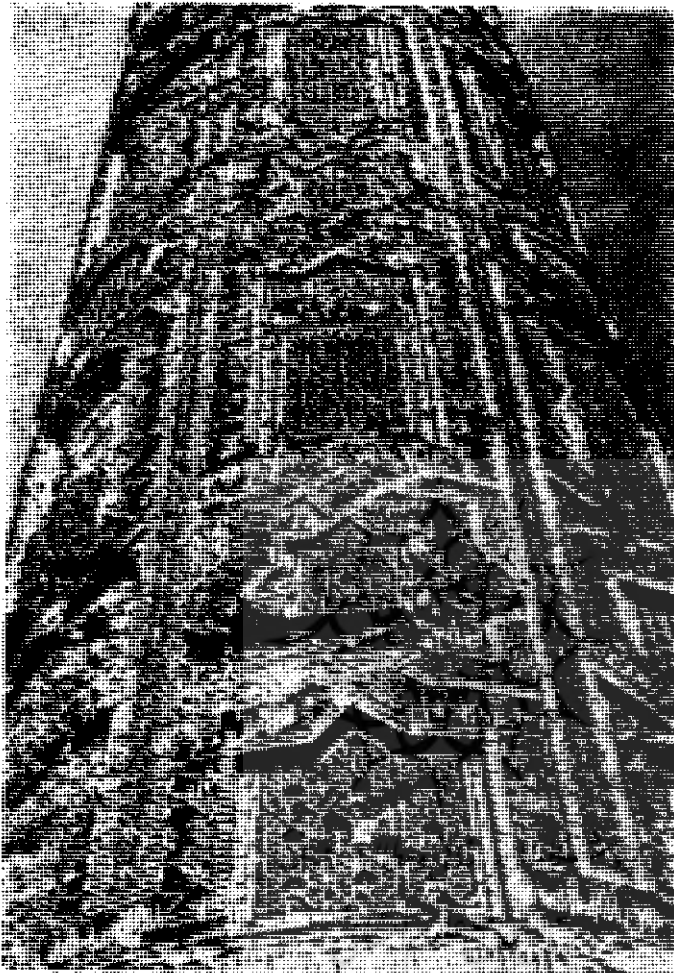
دومین کتیبه‌ی کوفی این بنا کتیبه‌ی زیرین طبقه‌ی دوم می‌باشد

که متن آن بشرح زیر است :



(شکل ۶)
 منار جام و مقطع
 عرضی آن و ترتیب
 قرار گرفتن پله‌های
 درونی

« السلطان المعظم غیاث‌الدین ابوالفتح محمد بن سام »
 نام سازنده و معمار این بنا نیز در قسمت وسط طبقه اول در
 بالای طاق نمای مشبک کاری سوم بخط نسخ چنین آمده است:
 « عمل علی بن امیر محمد الله . . . » (ش ۷)
 متأسفانه پایان جمله از بین رفته است .



(شکل ۷)
آجر کاری زیبای منار
جام ونام سازنده آن

از چهارمین کتیبه‌ای که، متأسفانه بسبب قرار داشتن در پایین
بناء تقریباً بکلی خراب شده فقط نام « ابوالفتح » باقی مانده است
که مقصود لقب غیاث‌الدین محمد غوری، بانی بنا باشد.

در کنار کتیبه‌هایی که در بالا بدان اشاره شد، دو کتیبه‌ی دیگر
نیز وجود دارد که در حاشیه‌ی نوار مائندی بروی منار ترتیب یافته
است. یکی از این کتیبه‌ها دارای متن « اشهدان لا اله الا الله واشهد

ان محمد رسول الله « میباشد که بعد از کتیبه‌ی سوره مریم قرار گرفته است .

دیگری جمله « نصر من الله وفتح قریب و بشر المومنین یا ایها الذین آمنو ... » میباشد که در قسمت بالای طبقه دوم منارجای دارد.

مسجد جامع هرات

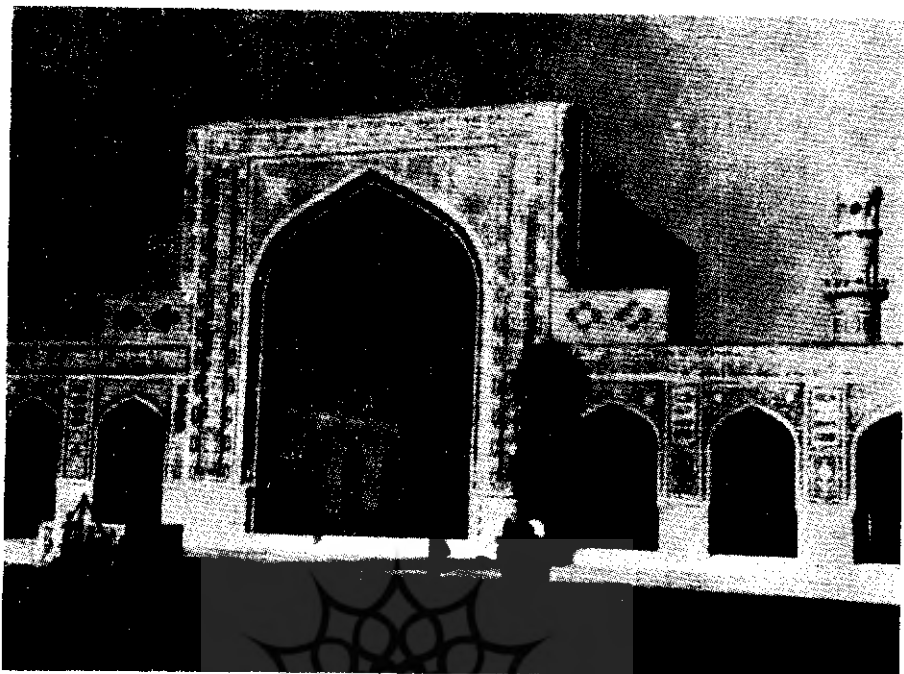
از دیگر آثاری که به غوریان نسبت داده‌اند مسجد جامع هرات است. این بنا در سال (۵۹۷ هجری قمری = ۱۲۰۰ میلادی) بفرمان غیاث‌الدین غوری پایه‌گذاری شد و پسر از وی برادر و جانشینش معزالدین غوری ساختمان آنرا پ پایان رسانید .

بنا بروایتی قبل از آن زمان بنای چوبینی بهمین نام وجود داشته که دچار آتش سوزی شده است.

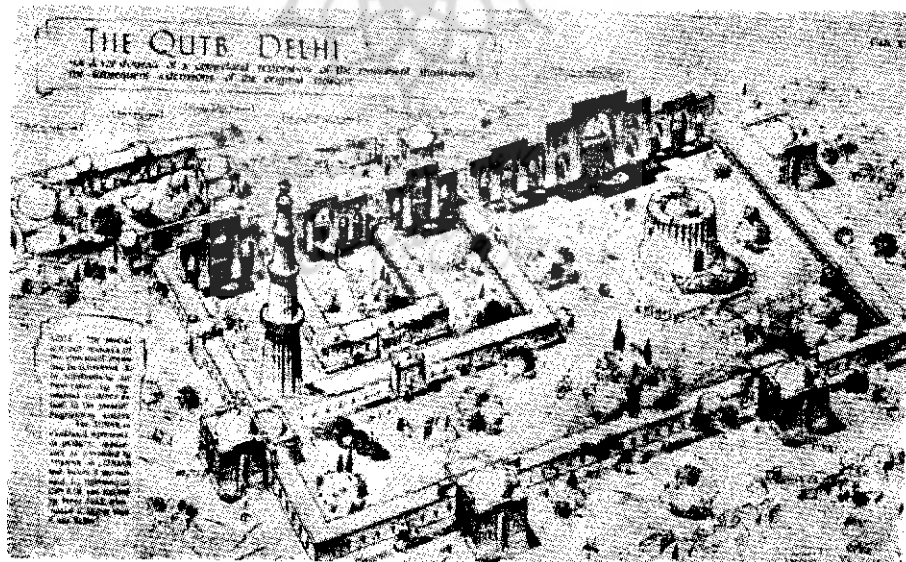
در هر حال همه‌ی تاریخ‌نویسان بانی این مسجد را غیاث‌الدین غوری دانسته میگویند که وی آنرا برای فخرالدین رازی ساخته است.

مسجد مزبور بیست سال بعد توسط سربازان چنگیز خراب شد و در سال (۷۰۶ هجری قمری = ۱۳۰۶ میلادی) توسط سلطان غیاث‌الدین کرت تعمیر گردید . این بنا بسبب خرابیهایی که یافته بود بار دیگر در سال (۸۵۰ هجری قمری = ۱۴۴۶ میلادی) بفرمان امیر جلال‌الدین فیروز شاه مرمت یافت. مدتها بعد در زمان حکومت سلطان حسین بایقرا و وزارت میرعلیشیر نوائی مجدداً مورد تعمیر و نوسازی قرار گرفت.

تزیینات روی دیوار و کاشی‌کاری آن پنج سال بطول انجامید. این بنای تاریخی اکنون جزو بهترین آثار باستانی افغانستان



(شکل ۸)
مسجد جامع هرات



(شکل ۹)
نقشه هوایی مسجد قوت الاسلام (قطب) دهلی و بناهایی که بعدها توسط التتمش
وعلاءالدین خلج به آن اضافه شده است

ویکی از جالبترین نمونه‌های هنر معماری زمان خود بشمار میرود .
(ش ۸)

مسجد قوت الاسلام دهلی (ش ۹)

در سال (۵۸۹ هجری قمری = ۱۱۹۳ م) هنگامیکه معزالدین
غوری بخشهای شمالی هندوستان را بتصرف آورد، فرمان داد تا در



(شکل ۱۰)
ستون‌هایی که از
پرستشگاه راجپوتانا
کنده شده و در مسجد
قوت الاسلام دهلی بکار
برده شده است .

محلّی که پرستشگاه هندوان قرار داشت، این مسجد را بناکنند.^{۱۳}
قطب‌الدین ایبک سردار معروف و نایب‌السلطنه معزالدین در

13— Hoag, John : Islamische Arcitektur, Stuttgart 1976, S. 280 ff.

سالهای میان ۵۷۶-۵۷۲ هجری شمسی فرمانروای شمال هند بود. سردار مزبور پس از خراب کردن بیست و هفت پرستشگاه هندی دستور داد تا از ستونها و مصالح آن پرستشگاهها مسجدی به اندازه ۴۲×۵۰ متر مربع بنا کنند. این مسجد به مسجد قوت الاسلام دهلی معروف است.

پیش از آغاز بنا بدستور وی ستونها و مصالحی را که بانقوش انسان و حیوان زینت یافته بود نابود و از بقیه آنها در ساختمان بنا استفاده کردند. (ش ۱۰ و ۱۱)

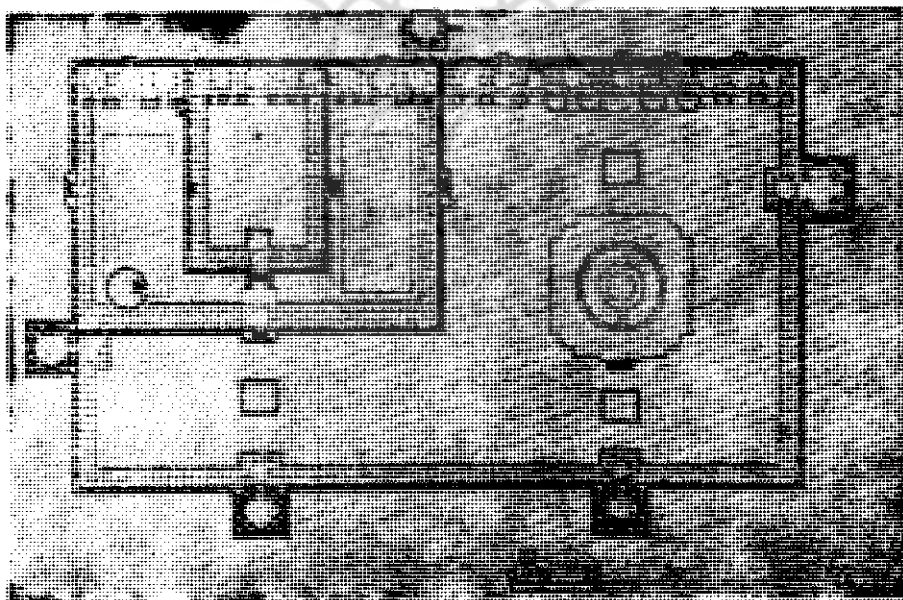


(شکل ۱۱)
گوشه ای از رواق
مسجد قطب دهلی و
کتیبه های روی
ستونها



(شکل ۱۲)

قسمتی از صحن و تزئینات روی دیوار در مسجد قوت‌الاسلام دهلی و ستون آهنی معروف آن



(شکل ۱۳)

نقشه کنونی و توسعه یافته مسجد قوت‌الاسلام دهلی مسجد قطب دهلی و منار قطب در جانب شمال غربی قرار گرفته است

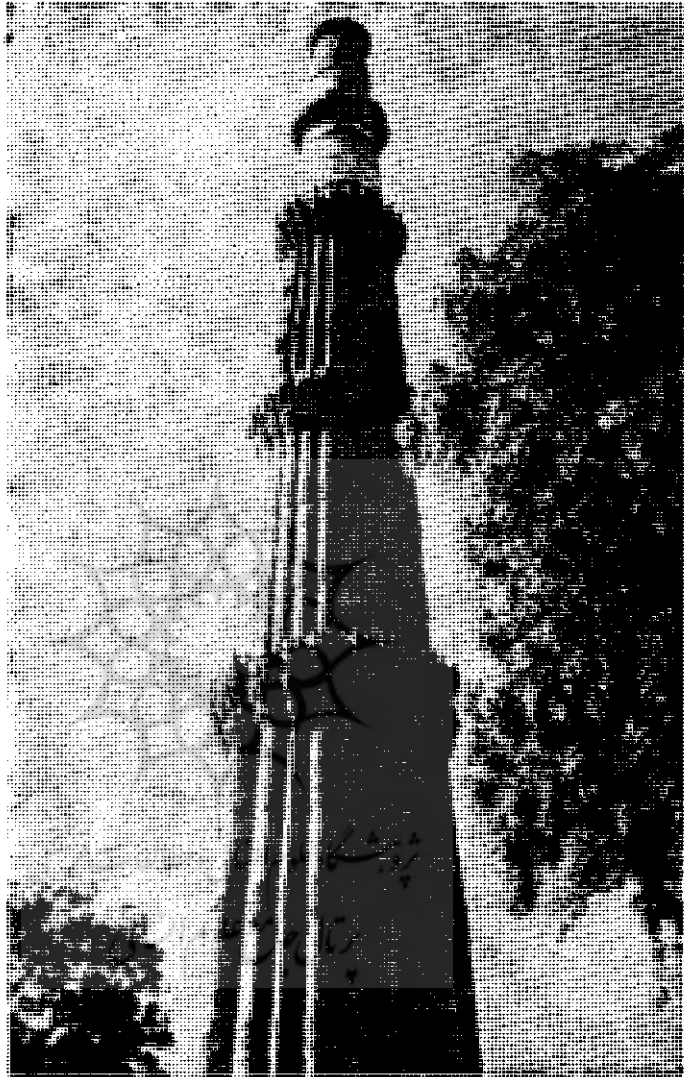
در بنای این مسجد - که میتوان طرح آنرا تا اندازه‌ای شبیه مسجد جامع اصفهان دانست آثار هنر هندی، بویژه در تزئینات دیوارهای آن بخوبی آشکار است. (ش ۱۲)

مسجد قوت‌الاسلام بعد از مرگ قطب‌الدین ایبک و در زمان فرمانروایی شمس‌الدین التتمش ۶۱۵-۵۸۰ هجری شمسی توسعه یافته و بصورت کنونی درآمده است. (ش ۱۳)

منار قطب‌دهلی، که در ضلع غربی بنای اولیه مسجد قوت‌الاسلام قرار گرفته است، به بلندی ۷۳ متر بلندترین منار دنیا بشمار میرود. بنای این منار که مقطعی ستاره‌ای شکل دارد، در سال ۵۷۸ هجری شمسی (۵۹۶ هجری = ۱۱۹۹ م.) آغاز گشته و دارای پنج طبقه است که توسط نعلبکی یا گلدسته‌هایی، که بمنظور گردش در اطراف طبقات مختلف منار ساخته شده است، از یکدیگر مشخص و مجزا بنظر میرسد. (ش ۱۴)

همانطور که گفته شد، چون در بنای این منار مصالح ساختمانی پرستشگاه‌های قدیمی‌تر هندی مصرف شده و در روی بعضی از سنگهای بکار برده شده نوشته‌هایی بنام شاهزاده معروف «چا.هان» یعنی پیریتوی راج سوم موجود است چنین گمان می‌بردند که منار قطب‌یک بنای هندی است ولی نقشه و طرح و بویژه مقطع ستاره‌ای شکل پی و شکل مخروطی آن ثابت میکند که این بنا اقتباسی است از آخرین و بزرگترین سبک مناره‌های قدیمی‌تر ایرانی.

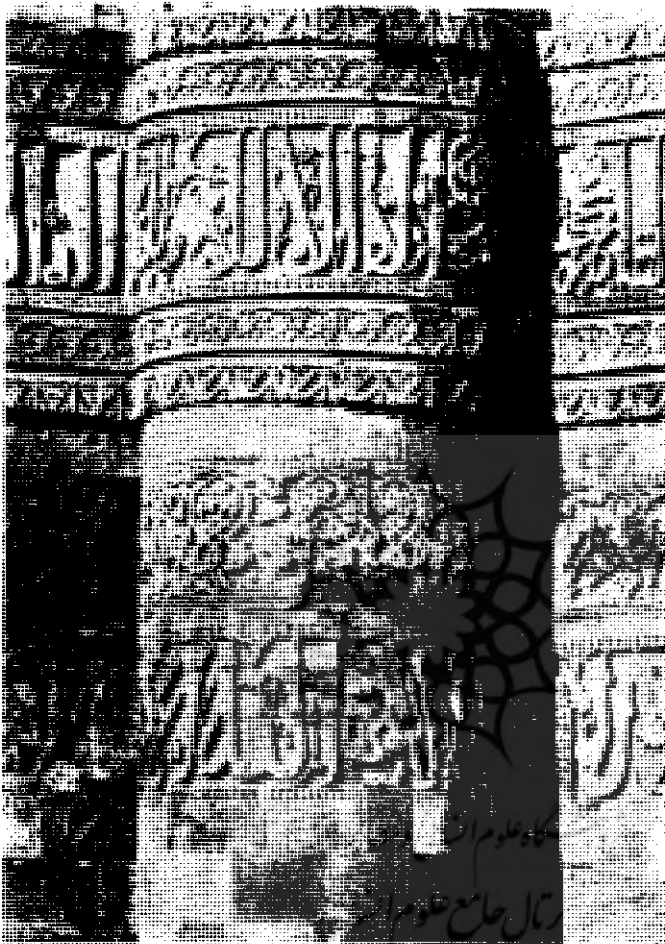
از ویژگیهای هنری این منار کتیبه‌هایی است که بخط کوفی نوشته شده است. درون نوارهای زینتی، که در فاصله میان کتیبه‌ها قرار گرفته است، نقوش تزئینی شامل گل‌های چندبرگ دایره شکل و حلقه‌های درشت آویزه مانند و شاخ و برگ‌های زیبایی که مسلماً کار هنرمندان هندی است، جای دارد. (ش ۱۵)



(شکل ۱۴)
منار قطب دهلی
در ضلع غربی مسجد
قوت الاسلام دهلی

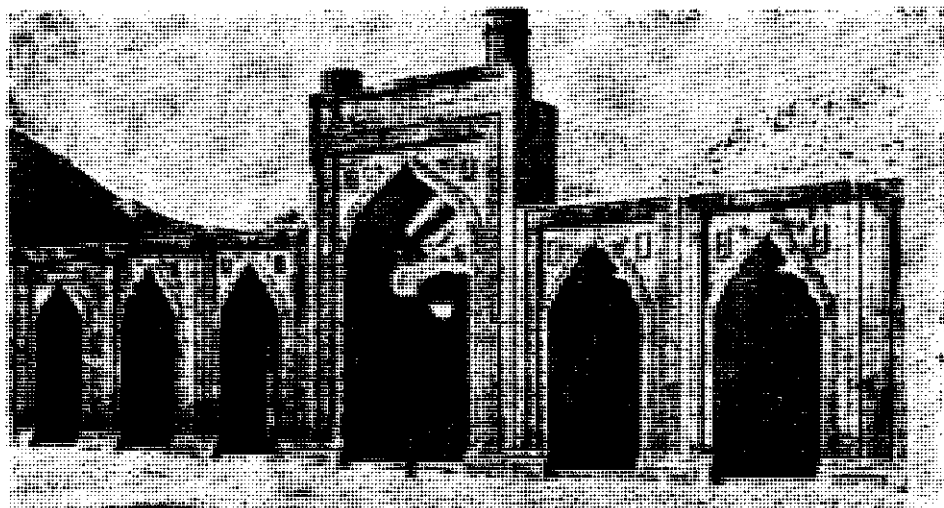
مسجد اجمر

این مسجد در سالهای میان (۵۹۷ تا ۶۰۳ هجری قمری =
۱۲۰۰ تا ۱۲۰۶ م.) ساخته شده است. مسجد مزبور به مسجد ارهار-
دین کاجمپرا نیز شهرت دارد که به لهجه محلی «بنای دو روزو

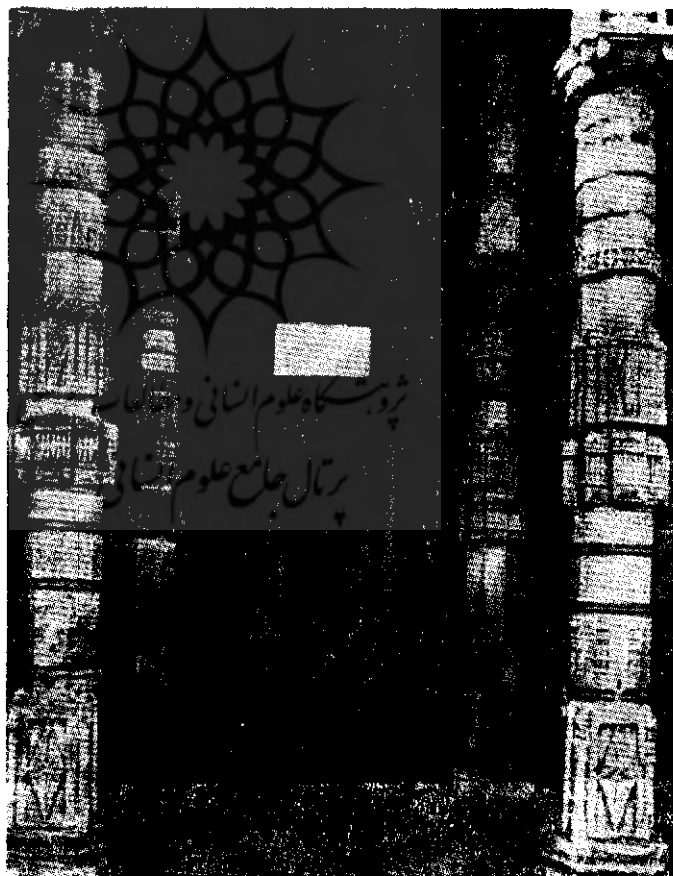


(شکل ۱۵)
قسمتی از کتیبه روی
منار قطب دهلی

نیمه» معنی میدهد . (ش ۱۶) . ارتفاع طاقها و ستونهای این بنا از مسجد قوت الاسلام بیشتر است و بهمین سبب زیباتر بنظر میرسد . محراب این مسجد از بناهای شمس الدین التتمش ، یکی دیگر از غلامان معزالدین غوری است، که در سالهای میان ۵۹۹ و ۶۰۸ هجری شمسی ساخته شده است . (ش ۱۷)



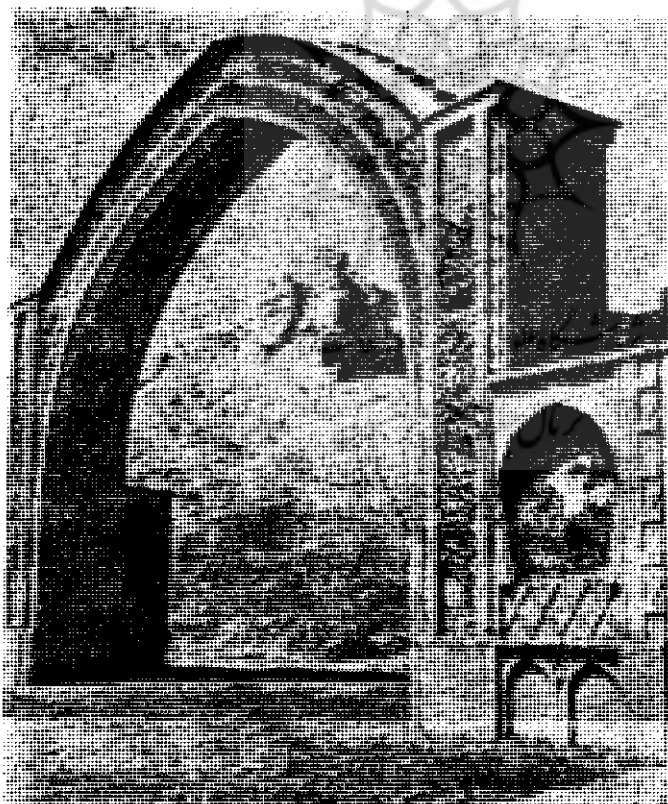
(شکل ۱۶) مسجد اجمر - تزئینات دیوارها و بخشی از صحن مسجد



(شکل ۱۷)
محراب مسجد اجمر
و ستونهای آن

طاق مسجد قلعه بست

از دیگر بناهایی که باستانشناسان سبک و طرح آن را مربوط به زمان غوریان یا خوارزمشاهیان میدانند طاق قوسی شکل مسجد قلعه بست (ش ۱۸) است که از آثار هنری زیبای آن دوران بشمار میرود. از روی آثاری که در این محل بدست آمده است، میتوان تاریخ بنای شهر بست را از زمان اشکانیان دانست و چنانکه جغرافیدانان اسلامی نوشته‌اند شهر بست در آغاز دوران اسلامی از مراکز مهم خاورزمین بشمار میرفته است و بطوریکه از نوشته‌های شاعران پارسی



(شکل ۱۸)
دروازه مسجد قلعه بست

و مورخان و همچنین آثار برجای مانده ، از جمله بر نوشته سنگی قبرها (آخرین آنها متعلق به آغاز سده سیزدهم میلادی است) برمی آید ، این شهر تا حمله مغول همچنان آبادان باقی بوده است و تنها اثری که پس از حمله مزبور از این شهر معتبر بجای مانده طاق مسجد قلعه بست است که نمونه ای از آثار معماری زمان غوریان و خوارزمشاهیان می باشد.^{۱۴}

چند نفر از باستانشناسان عقیده دارند که شهر بست در حمله علاءالدین حسین غوری صدمه دیده و خرابیهایی به آن وارد شده است .

طاق قلعه بست چندی پیش مورد تعمیر قرار گرفته و بصورت کنونی درآمده است .



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

14— Auboyer, Jeannine : Afghanistan und seine Kunst, Prague 1968, S. 58-9.